



# Analysis of Factors and Components of the Sense of Belonging to Place in the Old Neighborhoods of Tabriz City (Case Study of Ahrab Neighborhood of Tabriz)

Ali zeynaliAzim <sup>1,\*</sup>, Mostafa Basiri <sup>2</sup> and Ali Azar <sup>3</sup>

1. Ph.D. Assistant Prof, of Architecture & Urban Planning, Young Researchers and Elite Club, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tbriz, Iran

2. Assistant Prof., of Urban Planning and Architecture, Ilkhchi Branch, Islamic Azad University, Ilkhchi, Iran

3. Assistant Prof, of Urban Planning and Architecture, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

\* Corresponding Author, [basiri.m@gmail.com](mailto:basiri.m@gmail.com)

## ARTICLE INFO ABSTRACT

### UPK, 2021

VOL. 5, Issue 3, PP, 107-125

Received: 10 Apr 2020

Accepted: 15 Mar 2021

Research article

**KEYWORDS:** Place, sense of place, belonging of place, Tabriz

**Background:** The neighborhood is not only a place and environment for human activities and shelter, but also a phenomenon that human beings, in their interaction with it, give meaning to and become attached to. But today, the sense of belonging to the place in the old and historical neighborhoods is at a low level due to the negligence of the relevant organizations.

**Objectives:** This study analyzes the factors and components of the sense of belonging to the place in Ahrab neighborhood of Tabriz.

**Methodology:** The present study is descriptive-analytical in terms of nature and content of the work and is of survey type. In-depth interviews and questionnaires were used to collect data. The statistical population is the population of Ahrab neighborhood of Tabriz which is equal to 17952 people. The sample size of the Cochran's formula was 376. The sampling method is simple random. Cronbach's alpha was used to evaluate the reliability of the questionnaire. To test the research questions, the normality of the data was first examined using the Kolmogorov-Smirnov test, and after confirming the normality of the data, Pearson correlation and confirmatory factor analysis were used for the second time. The calculations were performed on SPSS and Amos software.

**Results:** The goodness of fit index (GFI) is 0.915, which indicates the acceptability of this rate for optimal fit of the model. The root mean square of the estimation error (RMSEA) is 0.065, which is acceptable due to being less than 0.08 and indicates the confirmation of the research model. Also, the Tucker-Lewis Index (TLI) is 0.906, the Comparative Fit Index (CFI) is 0.903, and PNFI Index is 0.71, which all indicate the desired fit and confirmation of the research model.

**Conclusion:** It showed that the passage of time with a factor of 0.96 has the greatest effect on the sense of belonging to the place. It is followed by readability and accessibility, visual richness, furniture and equipment, emotional, spatial quality, social interactions, beauty and symbols and identity.

### Highlights:

For the first time, 4 criteria: 1- Sense of place (perception, cognition and experience) 2- Meaning of place or spirit of place (nature, essence and uniqueness of place) 3- Memory and awareness (effects and history of places) 4- Imagination and exploration (processes of creativity and identity). The sense of belonging to the place was examined in the old quarters of the cities.

### Cite this article:

Basiri, M., Zenali Azim, A., Azar, A. (2021). Analysis of factors and components of the sense of belonging to place in the old neighborhoods of Tabriz City (Case study of Ahrab Neighborhood of Tabriz). *Urban Planning Knowledge*, 5(3), 107-125.

<https://dx.doi.org/10.22124/upk.2021.16220.1441>

## تحلیل عوامل و مؤلفه‌های حس تعلق به مکان در محلات قدیمی شهر تبریز (نمونه موردی محله اهراب تبریز)

مصطفی بصیری<sup>۱\*</sup>، علی زینالی عظیم<sup>۲</sup> و علی آذر<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه معماری و شهرسازی، واحد ایلخچی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلخچی، ایران

۲. استادیار گروه معماری و شهرسازی، عضو باشگاه نخبگان و پژوهشگران واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۳. استادیار گروه معماری و شهرسازی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

\* نویسنده مسئول: [basiri.m1358@gmail.com](mailto:basiri.m1358@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>دانش شهرسازی، ۱۴۰۰</b> دوره ۵، شماره ۳، صفحات ۱۰۷-۱۲۵ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ مقاله پژوهشی</p>	<p><b>بیان مسئله:</b> محله تنها یک مکان و محیط برای فعالیت‌های انسانی و سرپناه نیست بلکه پدیده‌ای است که انسان در تعامل خود با آن، بدان معنا بخشیده و به آن دل بسته می‌شود. اما امروزه حس تعلق به مکان در محلات قدیمی و تاریخی به دلیل بی‌توجهی مدیران شهری در سطح پایینی قرار دارد.</p> <p><b>هدف:</b> این پژوهش به تحلیل عوامل و مؤلفه‌های حس تعلق به مکان در محله اهراب شهر تبریز می‌پردازد.</p> <p><b>روش:</b> تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت و محتوای کاری، توصیفی-تحلیلی و از نوع پیمایشی است. به منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق و پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری، جمعیت محله اهراب تبریز که برابر ۱۷۹۵۲ نفر است. حجم نمونه هم از فرمول کوکران، برابر ۳۷۶ نفر به دست آمد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده است. جهت بررسی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. برای آزمون سؤالات تحقیق، ابتدا نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت و پس از تأیید نرمال بودن داده‌ها، از همبستگی پیرسون و تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شد. محاسبات در نرم‌افزار SPSS و Amos انجام گرفت.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> شاخص نیکویی برازش (GFI) ۰/۹۱۵ است که نشان‌دهنده قابل قبول بودن این میزان برای برازش مطلوب مدل است. مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز ۰/۰۶۵ است که با توجه به کوچک‌تر بودن از ۰/۰۸، قابل قبول بوده و نشان‌دهنده تأیید مدل پژوهش است. همچنین شاخص توکر-لویس (TLI) ۰/۹۰۶؛ شاخص برازش تطبیقی (CFI) ۰/۹۰۳ و شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI) ۰/۷۱ است که همگی نشان‌دهنده برازش مطلوب و تأیید مدل پژوهش است.</p> <p><b>نتیجه‌گیری:</b> گذر زمان با بار عاملی ۰/۹۶ بیشترین تأثیر را در حس تعلق به مکان دارد. پس‌از آن به ترتیب خوانایی و دسترسی، غنای بصری، مبلمان و تجهیزات، مؤلفه‌های احساسی، کیفیت فضایی، تعاملات اجتماعی، زیبایی و نمادها و هویت قرار دارند.</p>
<p><b>کلیدواژه‌ها:</b> مکان، حس مکان، تعلق به مکان، تبریز</p>	<p><b>نکات برجسته:</b> برای اولین بار ۴ معیار: ۱-حس مکان (ادراک، شناخت و تجربه) ۲- معنی مکان یا روح مکان (ماهیت، ذات و منحصر به فرد بودن مکان) ۳- خاطره و آگاهی (آثار و تاریخ مکان‌ها) ۴- تخیل و اکتشاف (فرآیندهای خلاقیت و هویت). در حس تعلق به مکان در محلات قدیمی شهرها بررسی شد.</p>

## بیان مسئله

اولین و مهم‌ترین قدم در هر نوع برنامه‌ریزی محیطی، تعیین محدوده برنامه‌ریزی و تشخیص واحدهای تشکیل‌دهنده آن است. در واقع اساس توزیع و تخصیص کاربری‌ها و تعیین استانداردها و سرانه‌های شهری بر پایه تقسیمات فضایی- کالبدی شهر استوار است. بنابراین برای ایجاد محیط زیست مطلوب شهری نیاز به تقسیمات کالبدی- فضایی مناسبی است که محله در اصلی‌ترین و محله‌بندی بر اساس معیارهای شهرسازی، مهم‌ترین اقدام آن به محسوب می‌شود (پورمحمدی و مصیب‌زاده، ۱۳۸۸، ۵۳-۸۹). در رابطه با محله هم محله تنها یک مکان و محیط برای فعالیت‌های انسانی و سرپناه نیست بلکه پدیده‌ای است که انسان در تعامل خود با آن، بدان معنا بخشیده و به آن دل بسته می‌شود. نیاز انسان به تعامل عاطفی، شناختی، عملکردی و رفتاری با از جمله مهم‌ترین ابعاد رابطه انسان و مکانی که در آن زندگی می‌کند یا «حس تعلق به مکان» است که باید مورد توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد. از طرفی بافت فیزیکی محله‌ها باید در شهرها در بالاترین سطح فرهنگی جامعه نقش خود را ایفا کند و باعث رشد و شکوفایی جامعه شود (پورجعفر و پورجعفر، ۱۳۹۱) نمونه بارز این امر در الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی- اسلامی دیده می‌شود. از بررسی محله‌ها در شهرهای اسلامی گذشته، چنین استنباط می‌شود که مسجد، نقشی به‌سزا در ابعاد کیفی طراحی شهرها و بازتاب اجتماعی مسائل داشته است و در این زمینه، نسبت به مبانی طراحی واحدهای همسایگی در غرب (که تنها به مسائل فیزیکی و کمی می‌پرداخته‌اند و مدرسه، مرکز ابتدایی آنها بوده است) وضع بهتری داشته است. گفتنی است که در اینجا پایداری به معنای تداوم، استمرار و ماندگاری است و ادامه حیات بسیاری از محله‌های قدیمی در شهرهای کهن ایران، خود دلیلی بر این مدعاست. (حسینی کمال‌آبادی، پورجعفر، دهقانی فیروزآبادی و افتخاری، ۱۳۹۸). بنابراین برای آگاهی از محیط به تصاویر ذهنی هم نیاز است. این تصاویر باید با یکدیگر در ارتباط باشند. در چنین تصویری همواره مکان‌ها یا نقاط پررنگی در ذهن وجود دارد که صحنه رویدادها و تجربه‌های بسیار مهم زندگی انسان است. تعلق واقعی به مکان در گروهی شناخت و جهت‌یابی درست در محیط است که می‌تواند کاراکتر مکان را شکل دهد. یکی از دلایل حس بیگانگی و عدم تعلق به مکان‌های معاصر را می‌توان در این نکته دانست که در دنیای امروز، تنها به جهت یابی توجه می‌شود و در جهت شناسایی محیط اقدامی صورت نمی‌گیرد. مورد دیگر، تأثیر مکان کالبدی بر احساس و عاطفه انسان است. به ویژه شناخت تصویر ذهنی ساکنین از خانه، محله و شهر خود مخصوصاً در فرهنگ ایرانی و ارتباط این شناخت با میزان دل‌بستگی آنها به این مقیاس‌ها مورد غفلت واقع شده است.

محله اهراب تبریز هم از محلات تاریخی-قدیمی و اصلی تبریز است که متأسفانه متخصصین شهری در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، در زمینه حس تعلق مکانی توجه زیادی قائل نیستند، این در حالیست که باید تصورات ذهنی، خواسته‌ها و نیازها و عوامل دل‌بستگی ساکنین این محلات شهری بررسی گردد. هدف از این پژوهش ارتقاء حس تعلق به مکان به ویژه محله در میان ساکنین محله اهراب تبریز و یافتن ارتباط بین ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری حس تعلق به مکان با تقویت تصویر ذهنی ساکنین محله اهراب تبریز است. تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوالات است: مولفه‌های حس تعلق به مکان در محلات کدامند؟ کدام مولفه‌ها بیشترین تأثیرات را در شکل‌گیری حس تعلق به مکان در محلات قدیمی را دارند؟

## مبانی نظری

### مفهوم محله

مفهوم «محله» در اشکال مختلف و با تعاریف مختلف در همه فرهنگ‌ها دیده می‌شود، یک مکان برنامه‌ریزی شده است که مشخص‌ترین و اصلی‌ترین شکل واحد همسایگی شهری در آن صورت می‌گیرد، در آن همکاری و سازماندهی اجتماعی امکان پذیر است (آیدین و سرامکایاب<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴، ۲۶۰-۲۶۹). محله به‌عنوان یک سیستم جامع مسکونی یک پدیده پیچیده و چندوجهی است. (کیسر و تورک اوغلی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰) اگرچه می‌توان ردپای وجود آن را در شهرهای باستان یافت، پیشرفت در برنامه‌ریزی به‌عنوان یک ایده برنامه‌ریزی، ویژه طراحی محیط‌های شهری مدرن است و استفاده از آن در محلات شهری مطابق با تکنیک‌های تولید و فرآیندهای مدیریتی شهر مدرن است. علاوه بر این، تغییر در ماهیت و استفاده از اجزای شهری و روابط متقابل آنها به‌عنوان

<sup>1</sup> Aydın & Sıramkayab

<sup>2</sup> Kısar & Türkoğlu

مجموعه ساخته شده از واحدهای شهری پیروی می‌کند. (آلن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸) از آنجا که این با نیاز به حفظ تعادل مناسب بین نیروی کار و امکانات تولید مطابقت دارد، طراحی محلات (مناطق مسکونی) به‌عنوان واحدهای شهری خاص از این رو هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی اهمیت دارد. (بنوولو<sup>۲</sup>، ۱۹۷۱؛ چوی<sup>۳</sup>، ۱۹۶۹؛ سولامورالس<sup>۴</sup>، ۱۹۷۸؛ تافیوری و دال-کو<sup>۵</sup>، ۱۹۷۶؛ تافیوری<sup>۶</sup>، ۱۹۷۶). در چارچوب شهر مدرن، معماری و برنامه‌ریزی به‌عنوان ابزار کاربردی و همچنین ابزارهای اصلی تحولات اجتماعی تکامل یافته است (سولامورالس، ۱۹۷۸). بر این اساس، محله به‌عنوان یک مقیاس مناسب برای طراحی قطعات شهری و به ویژه مناطق مسکونی است. و یک برنامه‌ریزی صریح مانیتورینگ شده است. توسعه شهر معاصر، همراه با بلوغ رویه‌های برنامه‌ریزی منظم، ویژگی متمایز را در این زمینه به وجود می‌آورد. (دلمله<sup>۷</sup>، ۲۰۱۷). مفهوم محله شامل دو مؤلفه اساسی جسمی و روانی است. (کیلر<sup>۸</sup>، ۱۹۶۸). به طور خاص، عناصر اصلی یک محله عبارتند از: مردم، مکان، سیستم تعامل، مشترک شناسایی و نمادهای عمومی. با هم قرار دادن کنار هم این عناصر، محله‌ها به‌عنوان جمعیت ساکن در آن بخش قابل شناسایی شهری که اعضای آن در یک شبکه تعامل کلی رسمی و غیررسمی سازمان یافته‌اند. روابط مشترک خود را با منطقه در نمادهای عمومی بیان می‌کنند. (شوپریان<sup>۹</sup>، ۱۹۸۳). شهرهای متعلق به ایرانیان مسلمان را مجموعه‌ای از محلات تشکیل می‌دادند. محله یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده پایدار اجتماعی (شهر ایرانی-اسلامی) با مرکز بودن مسجد و یا حسینیه (به‌عنوان فضایی با فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی) به شمار می‌آمد. ابعاد و جمعیت یک محله را در شهر ایرانی-اسلامی روابط اجتماعی تعیین می‌کرده است. لیکن دردوران معاصر برای برنامه‌ریزی و طراحی شهری، بیشتر از ایده محله با مرکزیت مدرسه ابتدایی از ابعاد کالبدی تاثیر پذیرفته، محلات شهرهای ایرانی-اسلامی هم به‌صورتی واحد اجتماعی، پایداری خود را با ارزش‌ها و سرمایه‌های اجتماعی محلی و با مرکز بودن مسجد به منزله کانونی برای فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی از زمان شکل‌گیری نشان داده است. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۱)

## مکان

رابطه بین مردم و مکان‌ها بسیار گسترش یافته است. در این زمینه تعاریف زیادی برای مکان بیان شده است، (وردمن و پروس<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۸، ۱۶۹-۱۸۳) اما به طور کلی اصطلاح «مکان»، بر خلاف فضا، پیوند عاطفی محکمی را بین شخص و محیط خاص می‌کند. (سیمه<sup>۱۱</sup>، ۱۹۸۶) به عبارت دیگر، مکان با ارزش‌ها و اصول انسانی آمیخته است. (گوستافسون<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۱) مکان، فضایی است که برای فرد یا گروهی از مردم واجد معنی باشد. (تابان، پورجعفر و پورمند، ۱۳۹۱) در نتیجه، مکان یک فضای خاص است که با معانی و ارزش‌های کاربران پوشانده شده است. اماکن در زندگی انسان نقش اساسی و حیاتی دارند. هر مکان شخصیت منحصر به فرد خود را دارد که موضوع مهمی در علوم اجتماعی است. (رکس<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۶) مطالعات بررسی شده نشان می‌دهد که مکان‌ها نه تنها عناصر مهم در توسعه و حفظ هویت گروهی و شخصی خود هستند بلکه در رفتار انسان و سلامت روان آنها نیز نقش بسزایی دارند. (سیمون<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۷) مکان‌ها علاوه بر ویژگی‌های فیزیکی، شامل پیام‌ها و معانی هستند که افراد بر اساس نقش‌ها، تجارب، انتظارات و انگیزه‌های خود ادراک و رمز گشایی می‌کنند. (استرن<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۷) بنابراین به این حس مکان گفته می‌شود. که به تجربه خاص شخص در یک محیط خاص گفته می‌شود. این یک روش کلی است که کسی در مورد یک مکان احساس می‌کند

<sup>1</sup> Allen

<sup>2</sup> Benevolo

<sup>3</sup> choay

<sup>4</sup> Sola-Morales

<sup>5</sup> Tafuri & Dal-Co

<sup>6</sup> Tafuri

<sup>7</sup> Delmelle

<sup>8</sup> Keller

<sup>9</sup> Schwirian

<sup>10</sup> Wartmann & Purves

<sup>11</sup> Sime

<sup>12</sup> Gustafson

<sup>13</sup> Rex

<sup>14</sup> Seamon

<sup>15</sup> Stern

کند. حس مکان یک عامل مهم در حفظ کیفیت محیط است. از این رو مکان‌ها بسیار مهم هستند زیرا زمینه‌ای را فراهم می‌کنند که در آن افراد قرار دارند. زندگی خود را ادامه می‌دهند و معنی آن را بوجود می‌آورند. (رلف<sup>۱</sup>، ۱۹۷۶؛ تی ون<sup>۲</sup>، ۱۹۷۷؛ کرزول<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴؛ مانزو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵؛ استرن، ۲۰۱۶؛ سیمون، ۲۰۱۷) با توجه به قدرت و همه جا بودن مکان، تجربه آن می‌تواند عمیقاً بر احساسات، افکار، هویت، خاطرات، رفتار، روابط و تعامل انواع مختلف تأثیر بگذارد. (الکساندر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ مانزو، ۲۰۰۵) در اصل، مکان بر همه تأثیر می‌گذارد (الکساندر، ایشیکاوا و سیلورستاین<sup>۶</sup>، ۱۹۷۷؛ سیمون، ۲۰۰۰؛ کی سی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹) جنبه‌های تجربه انسانی چه از نظر خصوصی و چه از نظر عمومی، یا بهتر یا بدتر بودن تجربه مکان به طور غیرقابل توصیفی با بودن انسان و شکل دادن به احساس شخصی در ارتباط است (مسترسون<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۷).

### حس مکان

مفهوم حس مکان همیشه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث روانشناسی محیط، برنامه‌ریزی شهرسازی، طراحی شهری و معماری مورد بحث قرار گرفته است. (بیدلر و موریسون<sup>۹</sup>، ۲۰۱۵) حس مکان ناشی از مفهوم روح یک مکان یا نبوغ مکان است. انسان هنگام اشغال مکان می‌تواند تجربیاتی فراتر از تجربه جسمی و حسی داشته باشد، که احساس دل‌بستگی خاصی به یک مکان می‌کند و عناصر موجود در آن به روح مکان ارجاع می‌شود. (جکسون<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۴) پس دل‌بستگی مکانی به‌عنوان هسته اولیه شکل‌گیری حس مکان، فرایندی احساسی، ادراکی و رفتاری است که در تعامل افراد با فضاهایی که بدان معنای ویژه‌ای بخشیده‌اند. (پورجعفر، ایزدی و خیبری، ۱۳۹۴) مکان بدون حضور انسان در آن فقط یک موقعیت جغرافیایی کوچک است. بنابراین، معنای مکان با احساس امنیت و پیوند نزدیک است، (تی ون، ۱۹۷۷) برخلاف معنی فضا فرد هنگام اشغال یک مکان، فرایندی از ادراک را به سمت محیط خود طی می‌کند. ادراک روشی است که در آن انسان اطلاعاتی را از محیط اطراف خود دریافت می‌کند و پس از آن بلافاصله بر اساس اطلاعات داده شده معنای می‌دهد. (آلیان و هرلی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۹) حس مکان به‌عنوان نگرشی چندبعدی به بررسی و توصیف ارتباط عاطفی میان افراد و محیط فیزیکی می‌پردازد و شامل ارزش‌ها، نمادها و معانی فرهنگی نسبت داده شده به مکان است. (محمدمدادی، یزدانفر، فیضی و نوروزیان ملکی، ۱۳۹۸) در حس یک مکان کارمونا و همکارانش توضیح می‌دهد که احساس نقش مهمی را آغاز می‌کند و روند ادراک را آغاز می‌کند. که احساس نتیجه چهار حواس است: بینایی، شنوایی، بویایی و لامسه. (کارمونا، هیث، اوسی و تیسدل<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۳).

### حس تعلق به مکان

اصطلاح "حس تعلق به مکان" اغلب با اصطلاحاتی از قبیل "هویت مکان" و "حس مکان" به صورت متناوب به کار می‌رود. (لیو<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۸) در قلب هر یک از این مفاهیم، تمایل به درک روابطی که افراد با محیط خود دارند، به ویژه جنبه‌های عاطفی این روابط (پروشانسکی، فابیان و کامینوف<sup>۱۴</sup>، ۱۹۸۳). بیشتر اندیشمندان و پژوهشگران از مفهوم عاطفی در مفهوم حس تعلق فضا آگاه هستند، اما آن نقطه گریزش است. (مورگان<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۰) حس تعلق به مکان را می‌توان به معنای خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن دانست. (یزدانی، علیپور و محمودی، ۱۳۹۸) حس تعلق به مکان این است که در دل‌بستگی فضا یک تجربه اتصال طولانی مدت به یک منطقه جغرافیایی خاص وجود دارد که از نظر منطقه معنی دارد. (جولیانی و فلدمن<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۳).

<sup>1</sup> Relph

<sup>2</sup> Tuan

<sup>3</sup> Cresswell

<sup>4</sup> Manzo

<sup>5</sup> Alexander

<sup>6</sup> Alexander, Ishikawa & Silverstein

<sup>7</sup> Casey

<sup>8</sup> Masterson

<sup>9</sup> Beidler & Morrison

<sup>10</sup> Jackson

<sup>11</sup> Alyan & Herlily

<sup>12</sup> Carmona, Heath, Oc & Tiesdell

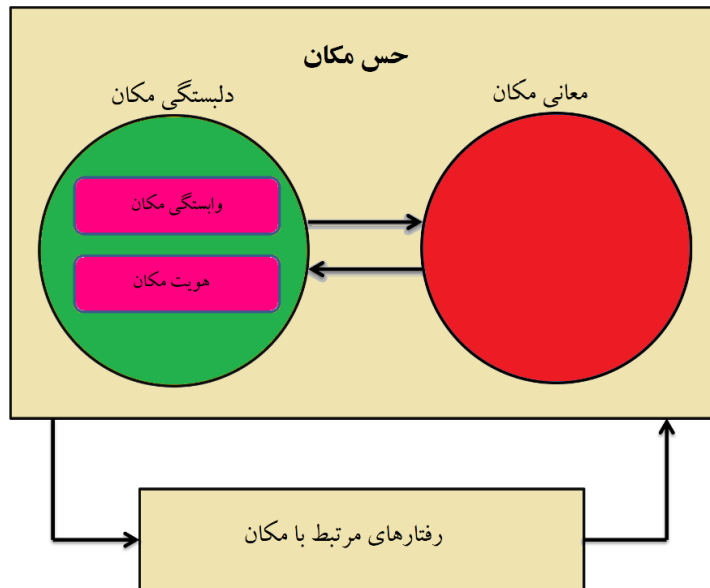
<sup>13</sup> Liu

<sup>14</sup> Proshansky, Fabian & Kaminoff

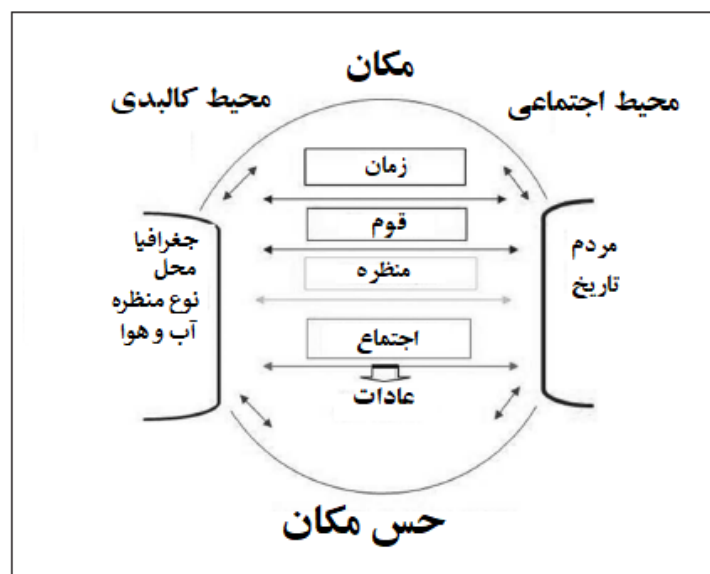
<sup>15</sup> Morgan

<sup>16</sup> Giuliani & Feldman

شخصی که مدت طولانی در یک منطقه خاص زندگی می‌کند، احساس محبت و احساس تعلق را افزایش می‌دهد یا منطقه را جزئی از هویت خود می‌کند. (های<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸) فضا به‌عنوان هویت شخصی نشانگر اهمیت محیط کالبدی و فیزیکی است، که خود هویت فرد را شکل می‌دهد. (پروشانسکی و همکاران، ۱۹۸۳). در ابتدا تئوری دلستگی مکانی استاتیک در نظر گرفته می‌شود، اما با گذشت زمان این تئوری پویاتر در نظر گرفته و دائماً آمیخته می‌شود. (مادگین، بردلی و هستینگز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). سال‌هاست که عناصر تشکیل دهنده پیوند مکان مورد توجه محققان قرار گرفته است. در تعیین عنصر تشکیل پیوند مکان در محل متشکله از سه معیار استفاده می‌شود: از درون شخص، تعامل شخص با دیگران و تعامل با طبیعت (گوستافسون، ۲۰۰۱). در شکل (۳) عوامل تشکیل دهنده حس تعلق به مکان نشان داده شده است.



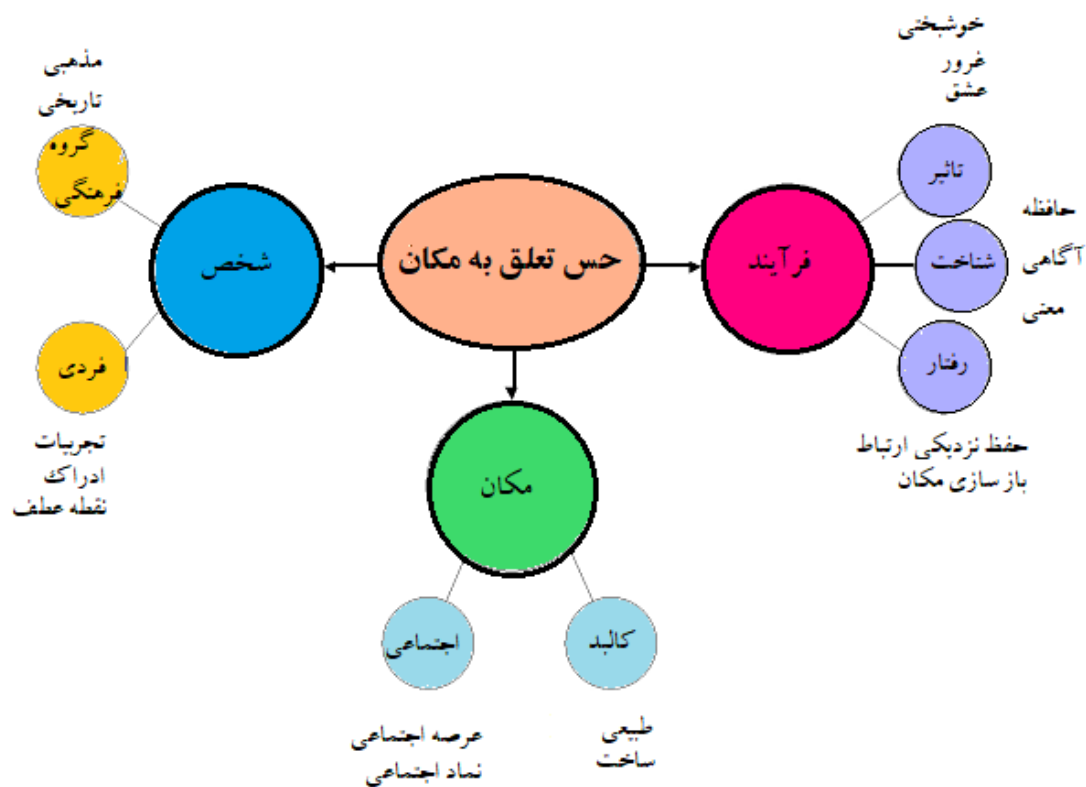
شکل ۱. روابط بین مفاهیم کلیدی حس مکان



شکل ۲. مدل حس مکان

<sup>۱</sup> Hay

<sup>۲</sup> Madgin, Bradley & Hastings



شکل ۳. مدل رابطه سه طرفه حس تعلق به مکان

با توجه مطالب ارائه شده محله باید مکانی برای خندیدن برآوردن نیازهای اجتماعی- فرهنگی، کالبدی، اقتصادی، عاطفی و روانی ساکنانش باشد. بنابراین برای ایجاد پایداری و درک محلات توجه صرف به ابعاد کالبدی و یا اقتصادی طرحها منجر به نادیده گرفتن سایر ابعاد تاثیرگذار در کیفیت محیط محلات از بعد حس مکان و تعلق مکانی همچون ابعاد اجتماعی، فرهنگی، روان شناختی و... می شود. بیشتر کارشناسان با نگاه صرفاً کمی و تکنیکی به مسائل شهرها بخصوص حس مکان و تعلق مکانی از توجه به پیامدهای کیفی اقدامات غافل بوده‌اند. در حالی که مردم کمیت ها را کمتر درک کرده و جنبه‌های کیفی آنها را می‌بینند. لذا کیفیت محیط محله از حیث حس تعلق به مکان در گرو توجه توأم به جنبه‌های کیفی و کمی مولفه ها و اجزای تشکیل دهنده آنها نهفته است. لذا در این پژوهش هم جنبه‌های کمی و هم کیفی مولفه‌های حس تعلق به مکان بصورت توأمان بکارگرفته شد تا روابط و تاثیر مولفه‌های حس تعلق به مکان هم از نظر کمی و کیفی بر روی هم و همچنین شکل گیری حس تعلق به مکان در محله مشخص شود.

### پیشینه پژوهش

در پژوهشی مشخص گردید که میزان حس تعلق به مکان به میزان احساس امنیت در آن مکان، خصوصیات کالبدی، تأثیرات آن مکان بر برداشت‌های ذهنی و ماندگاری این تصورات بستگی دارد که با تغییر هر کدام از این عوامل میزان حس تعلق به مکان در افراد تغییرخواهدکرد. در این میان تفاوت‌هایی نیز میان حس تعلق زنان و مردان وجود دارد که به خصوصیات جنسیتی آنان وابسته است (ملکی، پارسا، وثیق و مرادی، ۱۳۹۳). در رابطه با مطالعه مقایسه‌ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم آباد که انجام گرفته، در آن عواملی از قبیل قدمت مکان، وجهه مکان، دسترسی به خدمات در مکان، پوشش گیاهی، نمای خیابان‌ها، بافت مکان، وجود و یا نزدیکی اماکن تفریحی و گذران اوقات فراغت در مکان همه از عواملی هستند که بر حس تعلق به مکان شهروندان خرم آبادی تأثیر گذار بوده اند. خصوصاً عواملی چون وجهه محله، دسترسی به خدمات، پوشش گیاهی، نمای خیابان و نوع بافت محله، با میزان تعلق احساسی افراد به مکان رابطه زیادی داشته است. (بزی، میرزاپور و افراسیابی‌راد، ۱۳۹۳). در ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی در سواحل شهری بوشهر عواملی محیط طبیعی، موقعیت مکان و دسترسی،



تنوع فضایی، ایمنی و نفوذپذیری از بین عوامل بررسی شده، رابطه معناداری در ارتقای حس تعلق به مکان در ساحل شهر بوشهر دارد (قشقای، موحد و محمدزاده، ۱۳۹۵).

بررسی نسبت بین حفاظت معماری و مفهوم حس مکان نشان می‌دهد که شناخت مفهوم حس مکان فضاهای میراثی سبب شناخت ساختار و کاراکتر آنها شده، حفاظت معماری را به سوی خط مشی‌هایی در مورد اقدامات کالبدی- عملکردی سوق می‌دهد که در نهایت به حفظ حس تعلق مردم نسبت به آن فضاها منجر شود (فلاح، کمالی و شهیدی، ۱۳۹۵).

در محلات شهر تبریز دل‌بستگی مکان از چارچوب سازمان یافته سه بعدی (شخص- فرآیند- مکان) بوجود آمده است. بعد فردی دل‌بستگی مکان به معانی و مفاهیم تعیین شده فردی یا جمعی، بعد مکانی به عناصر فیزیکی و اجتماعی برمی‌گردد و بعد روانشناسی، عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری دل‌بستگی را در برمی‌گیرد (رحیمی، رفیعیان و باقری، ۱۳۹۵).

در بررسی حس تعلق مکانی در مجتمع‌های مسکونی و نقش طبیعت بر آن، با توجه به نتایج به دست آمده مشخص می‌شود در آن دسته از سکونتگاه‌های انسانی که رویکرد غالب در ایجاد آنها، رویکردی تک بعدی بوده که در آن صرفاً به ساخت فضایی برای اقامت و استراحت، اشتغال و یا مکانی برای جذب سرریز جمعیت کلانشهرها توجه شده است که نتیجه ای جز «غافل ماندن از تأثیرگذاری جاذبه‌های روانی بر حس تعلق ساکنان» در بر نداشته است. بنابراین نیاز است تا حس تعلق به مکان در این سکونتگاه‌ها تقویت شود (بهزادپور، ۱۳۹۷).

در مطالعات سطوح حس مکان در فضاهای شهری میدان امام خمینی و امام حسین شهر تهران، مشخص شده که با افزایش جاذبه و به ویژه تنوع فعالیت‌ها و همچنین حرکت از فعالیت‌های اجباری به انتخابی و به‌ویژه اجتماعی، میزان حس مکان افزایش می‌یابد (ضابطیان و خیرالدین، ۱۳۹۷).

در تبیین نقش عوامل مؤثر بر قلمرویی در ایجاد حس تعلق به مکان در مجموعه مسکونی اعتمادیه همدان، عوامل مؤثر در قلمرویی نظیر نظم بصری، تعادل در محیط، مرزبندی و... نقش مهمی در شکل‌گیری محیط دارند. ایجاد قلمرو به وسیله علائم و نشانه‌های فیزیکی (مثل دیوار، نرده‌ی جداکننده، ...) به آن شکل می‌دهد و عامل مهم در ارتقا حس تعلق به مکان در مجتمع مسکونی است و می‌تواند در ارتقا این حس مؤثر باشد (کشاورزی و جلالیان، ۱۳۹۸).

در تحلیل لایه‌ای علت‌های تغییر مفهوم محله در ارتباط با حس تعلق و ارائه سناریوهای بدیل، نتایج نشان داد که، چهار سناریوی محله هوشمند، محله جهانی، محله پایدار و محله منعطف ارائه شده‌اند (بالالی اسکویی، حیدری ترکمانی و دیبا، ۱۳۹۸). در بررسی روش‌ها و تکنیک‌های اکتشافی برای حل حس مکان و مهاجرت به ارزیابی ارتباط «مکان» با «حس مکان» بر روی فرآیندهای مهاجرت تأکید شده است (مندوزا و مورن-آلگرت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳).

در بررسی حس مکان یا حس تعلق داشتن در شهرهای چین نتایج بررسی‌ها نشان داد، ایجاد شهرهای قابل زندگی از طریق توسعه فرهنگی نه تنها به دلیل ارزش ذاتی خود فرهنگ مهم است بلکه به دلیل مزایای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی جوامع با افزایش غرور و دل‌بستگی به آنها امکان‌پذیر است. این امر به طور فزاینده‌ای برای کودکان و جوانان بسیار مهم است، زیرا آنها می‌توانند به شدت با عادات توسعه و آگاهی آنها از تعامل با فضای بیرون با محیط اطراف خود ارتباط برقرار کنند که این خود به حس تعلق به مکان کمک می‌کند (گرگول، لو، وی و پی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). مطالعه از طریق یک رویکرد کیفی و بصری، چشم‌انداز و احساس تعلق به مکان: ارتباط با مکان‌های روزمره در تجربه برخی از مهاجران ساکن شمال شرقی ایتالیا نشان داد رابطه آنها با محل زندگی، هم بر اساس اقدامات عملی و هم پاسخ‌های عاطفی استوار است. «بعد عاطفی» منبع اصلی حس تعلق به مکان به حساب می‌آید: این امر به ویژه با معانی نمادین چشم‌انداز (منظره)، عمدتاً از طریق خاطرات مهم، روابط اجتماعی و کیفیت زندگی تعیین می‌شود. (دناردی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷) در ارزیابی حس مکان، حس خود، نتایج نشان می‌دهد که حس مکان شامل خصوصیات تجربی و متغیرهایی مانند آگاهی جسمی، احساسات، تصویر ذهنی، دل‌بستگی، تاریخ و هویت‌هایی است که «روابط پیچیده‌ای را بین تجربه یک مکان و ویژگی‌های آن مکان» نشان می‌دهد (استرن، ۲۰۱۷).

<sup>1</sup> Mendoza & Morén-Alegret

<sup>2</sup> Gorgul, Luo, Wei & Pei

<sup>3</sup> DeNardi



مطالعات در رابطه با معنی مکان، احساس تعلق به مکان و شخصی‌سازی در بین دانشجویان دانشگاه ترکیه، که مبتنی بر نوع خصوصیات شخصی، اجتماعی و مکانی است، بر معانی و احساسات دانشجویان بر معنی در مکان و تفاوت‌های جنسیتی در مورد درک و ویژگی‌های مکان تأثیر گذاشته است (دزکیر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

در مورد حس مکان و پایداری میراث فرهنگی در منطقه جورج تاون و ملاکا این مطالعه با استفاده از مفاهیم دل‌بستگی مکان، به بررسی عناصر «پیوند فرد-مکان» می‌پردازد (کیان تان، هوی تان، سین کوک و وی چون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸).

الگوی انتخابی برای بررسی عوامل تعیین‌کننده حس تعلق به مکان برای شهرک‌سازی مهاجران روستایی و شهری در چین نشان داد که هویت اجتماعی نقش مهمی در تعیین تصمیمات اسکان مهاجران روستایی و شهری ایفا می‌کند. علاوه بر این، دستمزد، تحصیلات و بهداشت همچنین بر تمایل کارگران مهاجر برای اسکان در منطقه معین تأثیر می‌گذارد. بنابراین، برای ارتقاء شهرنشینی و حس تعلق به مکان در شهرک‌ها، سیاست‌گذاران باید به خواسته‌های ذهنی و تصویری مهاجران روستایی و شهری توجه کنند. تبعیض هویتی و نژادی را از بین برد تا تمایل آنها برای اسکان در شهرها را ترغیب کرده و حس تعلق به شهرک‌ها بیشتر شود (لیو، ژانگ، ژانگ، لان و ژانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹).

## روش پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت و محتوای کاری، توصیفی و از نوع پیمایشی است. از طرفی این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است؛ زیرا اصول و فنون تدوین شده در تحقیق می‌تواند برای حل مسائل اجرایی و واقعی به کار گرفته شود و کاربرد عملی دارد. از نظر زمان نیز، از نوع مقطعی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو روش مصاحبه عمیق و پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل جمعیت محله اهراب تبریز ۱۷۹۵۲ نفر است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران بدست آمد، که برابر با ۳۷۶ نفر است.

$$n = \frac{\frac{Z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{Z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

n = حجم نمونه

N = حجم جمعیت آماری (حجم جمعیت شهر، استان، و...)

Z یا z = درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب

P = نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین

q (1-p) = نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین

d = در صد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول

برای روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی ساده استفاده شد. برای اندازه‌گیری حس تعلق به مکان از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پرسشنامه در مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای تنظیم شده است. اعتبار محتوای پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید این عرصه بررسی گردید. جهت بررسی پایایی سوالات، از آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای سوالات بزرگتر از ۰/۹۱ به دست آمد. با توجه به اینکه ضرایب آلفای کرونباخ بزرگتر از مقدار استاندارد است نتیجه گرفته شد که پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است. ابتدا نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای آزمون سوالات پژوهش، مورد بررسی قرار گرفت و پس از تأیید نرمال بودن داده‌ها، از همبستگی پیرسون و تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم استفاده شد. محاسبات در محیط نرم افزار SPSS و Amos انجام گرفت.

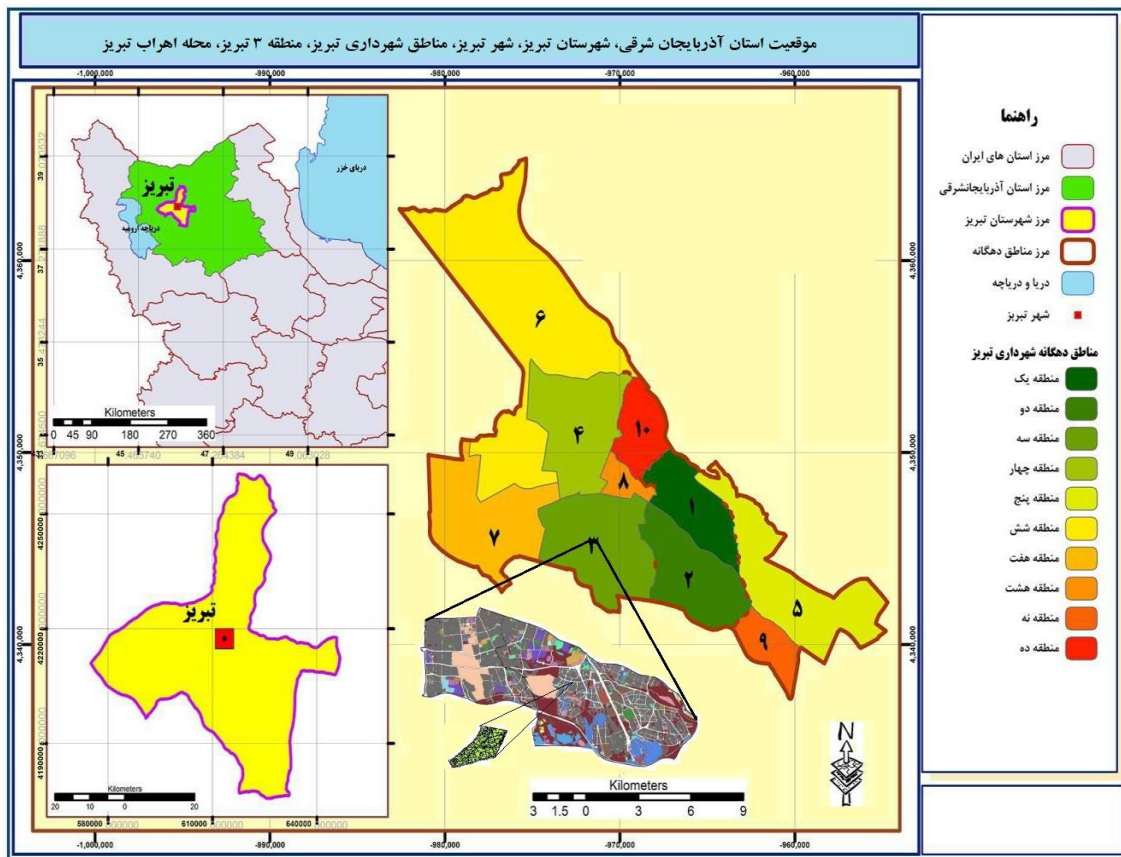
<sup>1</sup> Dazkir

<sup>2</sup> Kian Tan, Hooi Tan, Sin Kok & Wei Choon

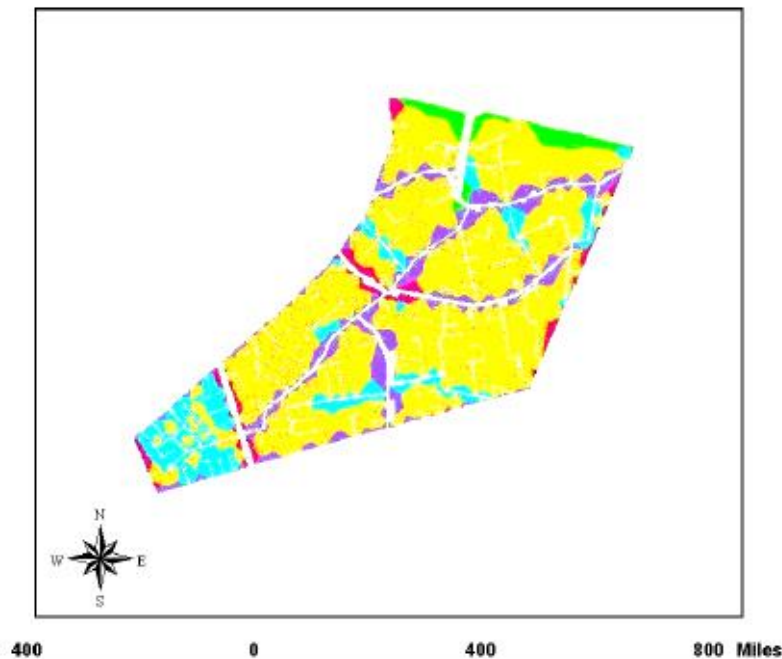
<sup>3</sup> Liu, Zhang, Zheng, Lan & Zhang

محدوده‌ی مورد مطالعه

از معتبرترین و معروفترین محلات بیست و چهار گانه تبریز، محله اهراب است. این محله در مرکز شهر، از شمال به محله ویجویه (ورجی) و میارمیار و قره‌آغاچ، از جنوب و از شرق به محله لیلاوا و از جنوب به محله گازران (گزاران) محدود است. مرکز آن میدان مسجد نجف بیک نایب (مسجد امام خمینی)، آراچورکچی خانان (نانوایی میانه) و چشمه باشی (سرچشمه) است. خیابان خیام از جنوب به شمال این محله را دو بخش کرده: بخش غربی آن خیابان قطران (باغات وزیرآباد و شاووا) (شاه آباد) و بخش شرقی محله اهراب محله بارناوا (بارون آواک) هستند. محله اهراب در حوزه استحفاظی شهرداری منطقه ۳ شهر تبریز قرار گرفته است (فاخری، ۱۳۸۹).



شکل ۴. موقعیت استان آذربایجان شرقی، شهرستان تبریز، شهر تبریز، مناطق شهرداری تبریز، منطقه ۳ تبریز، محله اهراب تبریز



شکل ۵. محدوده محله اهراب تبریز

## یافته‌ها و بحث

از کل نمونه مورد بررسی، ۳۵/۸ درصد زن و ۶۴/۲ درصد مرد هستند. ۳۴/۲ درصد مجرد و ۶۵/۸ درصد متأهل هستند. تحصیلات ۲۴/۹ درصد دیپلم و پایین تر، ۲۶/۱ درصد فوق دیپلم، ۳۷/۴ درصد لیسانس و ۱۱/۷ درصد فوق لیسانس و بالاتر است. سن ۱۰/۵ درصد ۱۵ تا ۲۴ سال، ۳۰/۴ درصد بین ۲۵ تا ۳۴ سال، ۵/۲۶ درصد بین ۳۵ تا ۴۴ سال، ۱۷/۹ درصد بین ۴۵ تا ۵۴ سال، ۹/۷ درصد بین ۵۵ تا ۶۴ سال و ۵/۱ درصد بین ۶۵ تا ۷۴ سال است. سابقه اقامت ۲۳/۰ درصد ۵ سال و کمتر، ۲۴/۹ درصد بین ۶ تا ۱۰ سال، ۲۰/۶ درصد بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۳۱/۵ درصد بیشتر از ۱۵ سال است.

برای متغیر حس تعلق به مکان و مولفه‌هایش، میانگین، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، مینیمم و ماکزیمم محاسبه شده به صورت جدول (۱) است. نمرات در بازه ۱ تا ۵ در نظر گرفته شده‌اند که میانگین حس مکان برابر ۳/۴۱ است. میانگین مولفه هویت ۳/۷۵، احساسی ۳/۷۰، زیبایی و نمادها ۳/۷۶، کیفیت فضایی ۳/۴۱، خوانایی و دسترسی ۳/۱۹، غنای بصری ۳/۰۶، مبلمان و تجهیزات ۲/۹۹، تعاملات اجتماعی ۳/۵۰ و گذر زمان ۳/۲۳ است.

جدول ۱

شاخص‌های توصیفی حس تعلق به مکان و مولفه‌هایش

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مینیمم	ماکزیمم
حس مکان	۳۷۶	۳/۴۱	۰/۵۶	-۰/۴۸	-۰/۴۱	۱/۷۴	۴/۶۸
هویت	۳۷۶	۳/۷۵	۰/۶۸	-۰/۳۳	-۰/۳۱	۲/۲۰	۵/۰۰
احساسی	۳۷۶	۳/۷۰	۰/۷۲	-۰/۵۶	-۰/۲۹	۱/۸۰	۵/۰۰
زیبایی و نمادها	۳۷۶	۳/۷۶	۰/۶۱	-۰/۵۰	-۰/۱۸	۲/۱۷	۴/۸۳
کیفیت فضایی	۳۷۶	۳/۴۱	۰/۶۸	-۰/۳۰	-۰/۶۹	۱/۵۷	۴/۷۱
خوانایی و دسترسی	۳۷۶	۳/۱۹	۰/۷۲	-۰/۲۸	-۰/۵۷	۱/۳۸	۴/۸۸
غنای بصری	۳۷۶	۳/۰۶	۰/۸۸	-۰/۲۵	-۰/۷۹	۱/۰۰	۴/۸۰
مبلمان و تجهیزات	۳۷۶	۲/۹۹	۰/۹۱	-۰/۲۲	-۰/۶۵	۱/۰۰	۵/۰۰
تعاملات اجتماعی	۳۷۶	۳/۵۰	۰/۶۶	-۰/۴۳	-۰/۱۵	۱/۸۰	۵/۰۰
گذر زمان	۳۷۶	۳/۲۳	۰/۸۷	-۰/۴۸	-۰/۱۶	۱/۰۰	۵/۰۰

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد، که سطوح معنی‌داری متغیرها با توجه به جدول ۲ بزرگتر از ۰/۰۵ به دست آمد، که نشان دهنده این است که تمام متغیرها دارای توزیع نرمال هستند.

جدول ۲

نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیرها	تعداد	کولموگروف-اسمیرنوف Z آماره	داری سطح معنی
حس مکان	۳۷۶	۱/۲۴۳	۰/۰۹۱
هویت	۳۷۶	۱/۲۵۳	۰/۰۸۸
احساسی	۳۷۶	۱/۲۷۲	۰/۰۷۷
زیبایی و نمادها	۳۷۶	۱/۳۰۸	۰/۰۶۸
کیفیت فضایی	۳۷۶	۱/۲۹۰	۰/۰۷۳
خوانایی و دسترسی	۳۷۶	۱/۰۲۳	۰/۱۹۹
غناي بصری	۳۷۶	۱/۲۴۶	۰/۰۹۰
مبلمان و تجهیزات	۳۷۶	۱/۲۹۴	۰/۰۷۲
تعاملات اجتماعی	۳۷۶	۱/۲۵۱	۰/۰۸۹
گذر زمان	۳۷۶	۱/۳۱۴	۰/۰۶۳

جدول ۳

آزمون همبستگی پیرسون برای رابطه حس تعلق به مکان و مؤلفه‌هایش

حس مکان	تعلق مکان	هویت	احساسی	زیبایی و نمادها	کیفیت فضایی	خوانایی و دسترسی	غناي بصری	مبلمان و تجهیزات	تعاملات اجتماعی	گذر زمان
حس مکان	۱									
تعلق مکان	۰/۰۰۱									
هویت	۰/۰۶۷	۱								
احساسی	۰/۰۷۴	۰/۰۵۹	۱							
زیبایی و نمادها	۰/۰۶۸	۰/۰۶۶	۰/۰۵۱	۱						
کیفیت فضایی	۰/۰۸۳	۰/۰۴۹	۰/۰۵۱	۰/۰۰۱	۱					
خوانایی و دسترسی	۰/۰۸۲	۰/۰۳۷	۰/۰۴۸	۰/۰۳۷	۰/۰۶۶	۱				
غناي بصری	۰/۰۷۸	۰/۰۳۳	۰/۰۵۰	۰/۰۳۰	۰/۰۶۱	۰/۰۷۰	۱			
مبلمان و تجهیزات	۰/۰۷۳	۰/۰۲۹	۰/۰۴۱	۰/۰۳۴	۰/۰۵۵	۰/۰۶۷	۰/۰۷۳	۱		
تعاملات اجتماعی	۰/۰۷۴	۰/۰۵۲	۰/۰۴۹	۰/۰۵۷	۰/۰۵۵	۰/۰۵۲	۰/۰۴۷	۰/۰۴۳	۱	
گذر زمان	۰/۰۷۴	۰/۰۴۲	۰/۰۵۹	۰/۰۴۱	۰/۰۵۴	۰/۰۵۹	۰/۰۵۸	۰/۰۵۱	۰/۰۵۰	۱

برای ارزیابی مدل حس مکان از تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم استفاده شده است. ابتدا برازش کلی مدل بررسی شده و پس از آن تک تک مسیرها آزمون خواهد شد. شاخص‌های برازش دارای سه نوع مطلق، تطبیقی و مقتصد هستند که بایستی از هر کدام از

انواع، شاخص‌هایی را گزارش نمود. در این تحقیق از هر کدام حداقل دو مورد گزارش شده است. اگر حداقل سه مورد از شاخص‌ها قابل پذیرش باشند می‌توان نتیجه گرفت که مدل از برازش کافی برخوردار است.

سطح معنی‌داری آماره  $\chi^2$  دو برابر ۰/۰۰۱ است که با توجه به ملاک در نظر گرفته شده (بزرگتر از ۰/۰۵) قابل قبول نیست. ولی از آنجایی که سطح معنی‌داری به تعداد نمونه حساس بوده و در نمونه‌های بزرگ تقریباً همیشه معنی‌دار است؛ برای ارزیابی برازش مدل از شاخص‌های دیگر استفاده شده است. مقدار شاخص نسبت بحرانی به درجه آزادی (DF/CMIN) برابر ۳/۱۱ که مقدار مطلوبی برای برازش مدل است. همچنین شاخص نیکویی برازش (GFI) ۰/۹۱۵ است که نشان دهنده قابل قبول بودن این میزان برای برازش مطلوب مدل است. مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز ۰/۰۶۵ است که با توجه به کوچکتر بودن از ۰/۰۸، قابل قبول بوده و بیان‌کننده تأیید مدل پژوهش است. همچنین شاخص توکر- لویس (TLI) ۰/۹۰۶؛ شاخص برازش تطبیقی (CFI) ۰/۹۰۳ و شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI) ۰/۷۱ است که همگی گویای مطلوب بودن برازش و تأیید مدل پژوهش است.

جدول ۴

شاخص‌های برازش مدل ساختاری حس تعلق به مکان

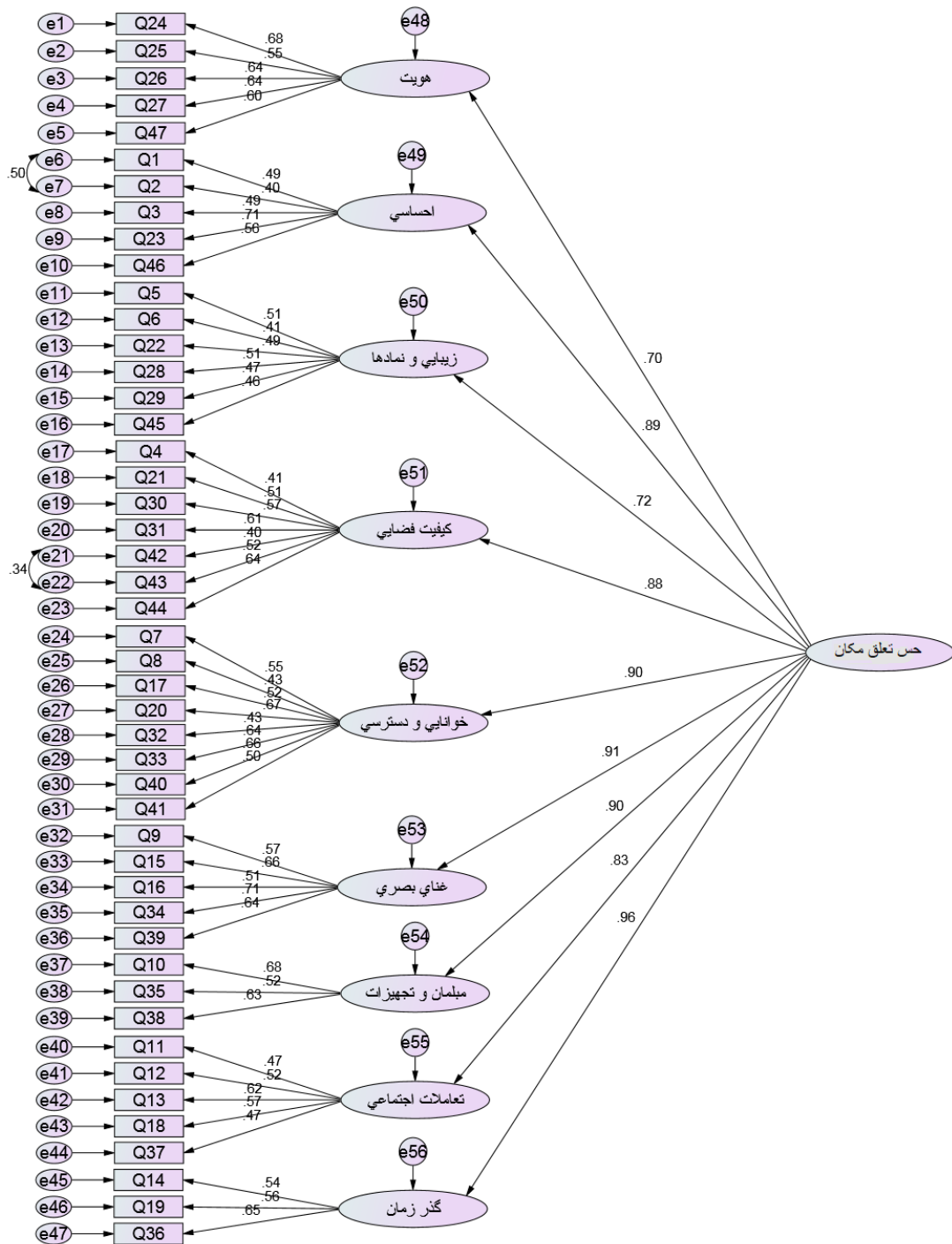
تفسیر	ملاک	میزان	شاخص برازش	
برازش مطلوب	کمتر از ۵	۳/۱۱	DF/CMIN	
غیر قابل قبول	بیشتر از ۰/۰۵	۰/۰۰۱	p-value $\chi^2$	مطلق
برازش مطلوب	بیش از ۰/۹۰	۰/۹۱۵	شاخص نیکویی برازش (GFI)	
برازش مطلوب	بیش از ۰/۹۰	۰/۹۰۶	شاخص توکر- لویس (TLI)	تطبیقی
برازش مطلوب	بیش از ۰/۹۰	۰/۹۰۳	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	
برازش مطلوب	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۶۵	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	
برازش مطلوب	بیشتر از ۰/۵	۰/۷۱	شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI)	مقتصد

تحلیل عاملی در دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول گویه‌های مربوط به هر مولفه بررسی شده و میزان بار عاملی آنها محاسبه شده است. در مرحله دوم بار عاملی هر کدام از مولفه‌ها بر روی حس تعلق به مکان محاسبه شده است. نتایج تحلیل مدل در جدول ۵ ارائه شده است. با توجه به جدول ملاحظه می‌شود که بارهای عاملی گویه‌های مربوط به هر یک از مولفه‌ها بزرگتر از ۰/۴ بوده و در سطح احتمال ۹۵ درصد معنی‌دار هستند. بنابراین هیچ یک از گویه‌ها حذف نمی‌شود و در مدل باقی می‌مانند. بنابراین نتیجه می‌شود که ساختار عاملی مولفه‌های حس تعلق مکان از پایایی و روایی سازه برخوردار هستند. همچنین تحلیل عاملی مرتبه دوم نشان می‌دهد که بارهای عاملی تمام مولفه‌های حس تعلق به مکان بر روی حس مکان بزرگتر از ۰/۴ بوده و در سطح احتمال ۹۵ درصد معنی‌دار هستند. گذر زمان با بار عاملی ۰/۹۶، بیشترین تأثیر را در حس تعلق به مکان دارد. پس از آن به ترتیب خوانایی و دسترسی (با بار عاملی ۰/۹۱)، غنای بصری (با بار عاملی ۰/۹۱)، مبلمان و تجهیزات (با بار عاملی ۰/۹۰)، احساسی (با بار عاملی ۰/۸۹)، کیفیت فضایی (با بار عاملی ۰/۸۸)، تعاملات اجتماعی (با بار عاملی ۰/۸۳)، زیبایی و نمادها (با بار عاملی ۰/۷۳) و هویت (با بار عاملی ۰/۷۰) قرار دارند.

جدول ۵

بارهای عاملی استاندارد و غیراستاندارد مولفه‌های حس تعلق به مکان

تغییر مستقل (آیتم)	متغیر وابسته (عامل)	ضریب برآورد شده	خطای معیار برآورد	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری	ضریب برآورد شده استاندارد
هویت	حس تعلق مکان	۱/۰۰	۰/۱۶	۵/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۷۰
احساسی	حس تعلق مکان	۰/۹۲	۰/۱۴	۵/۴۳	۰/۰۰۱	۰/۸۹
زیبایی و نمادها	حس تعلق مکان	۰/۷۸	۰/۱۴	۵/۱۸	۰/۰۰۱	۰/۷۳
کیفیت فضایی	حس تعلق مکان	۰/۷۱	۰/۱۷	۶/۵۰	۰/۰۰۱	۰/۸۸
خوانایی و دسترسی	حس تعلق مکان	۱/۱۲	۰/۱۹	۶/۶۸	۰/۰۰۱	۰/۹۱
غنای بصری	حس تعلق مکان	۱/۲۵	۰/۲۲	۷/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۹۱
مبلمان و تجهیزات	حس تعلق مکان	۱/۶۳	۰/۱۴	۵/۵۶	۰/۰۰۱	۰/۹۰
تعاملات اجتماعی	حس تعلق مکان	۰/۷۸	۰/۱۹	۶/۵۵	۰/۰۰۱	۰/۸۳
گذر زمان	حس تعلق مکان	۱/۲۲				۰/۹۶

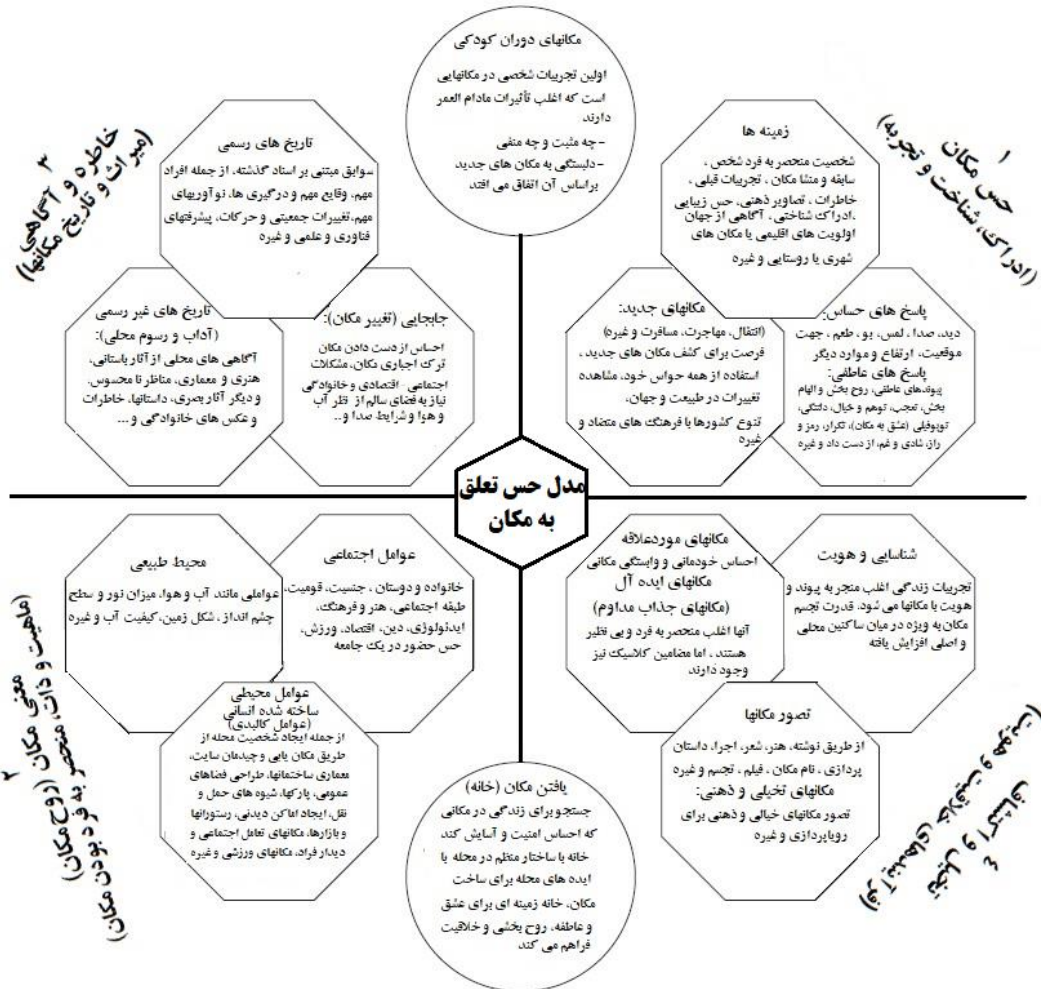


شکل ۶. تحلیل عاملی مرتبه دوم حس تعلق به مکان

در این پژوهش براساس تحلیل یافته‌ها برای مدل حس تعلق مکان در محله اهراب تبریز از دو نقطه آغاز (مکان‌های دوران کودکی) و پایانی (یافتن مکان مورد نظر) استفاده شد، که در طی این مسیر برای رسیدن به حس تعلق مکانی ۴ معیار اصلی در نظر گرفته شده است: ۱- حس مکان (ادراک، شناخت و تجربه) ۲- معنی مکان یا روح مکان (ماهیت، ذات و منحصر به فرد بودن مکان) ۳- خاطره و آگاهی (آثار و تاریخ مکان‌ها) ۴- تخیل و اکتشاف (فرآیندهای خلاقیت و هویت). که پیوند این چهار معیار اصلی که هر



کدام هم از سه جنبه مورد بررسی قرار گرفتند، حس تعلق به مکان در محله اهراب تبریز به وجود آورده‌اند که شکل مدل ارائه شده است (شکل ۷).



شکل ۷. مدل حس تعلق به مکان در محله اهراب براساس یافته‌های تحقیق

## نتیجه گیری و پیشنهادها

وقتی انسان به فضا محدودیت می‌بخشد، آن فضا به «مکان» تبدیل می‌شود. که دارای ارزش است. مکان با گذشت زمان توسط گروه‌های مختلف مردم ساخته و بازسازی می‌شود. ساخت مکان پویا بوده و تحت تأثیر ادراک، شناخت، خودآگاهی، پویایی اجتماعی، اقتصادها، فرهنگ‌ها و تاریخ‌ها قرار دارد. بسته به تعاملات اجتماعی، زمینه و زمان، همیشه در حال تغییر است. به‌عنوان مثال در شهرها، تغییر الگوی ارتباطات اجتماعی می‌تواند مکان‌هایی را به وجود آورد و آن را از بین ببرد، از جذابیت یک سایت کم کند. در این رابطه حس مکان نتیجه تعامل انسان و فضای زندگی اوست. اگرچه آشنایی طولانی مدت با مکان می‌تواند در این امر تأثیر بگذارد. حس مکان، می‌تواند خصوصیات کالبدی که موجب ترغیب مناسب فعالیت‌ها می‌شوند، مفهوم هویت را تقویت کند. با این وجود اماکن از لحاظ مکانی دارای سطوح مختلفی از احساس هستند و افراد معمولاً بر اساس قدرت پیوندهای عاطفی با مکان‌ها، به فعالیت‌های اجتماعی کمک می‌کنند. بعضی جاها از حس و حال بالایی برخوردارند. این مکان‌ها مردم را ترغیب به سکونت می‌کنند، با طولانی‌تر شدن سکونت با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. آن‌ها فرصت‌هایی برای تعامل اجتماعی در محلات شهری فراهم می‌کنند و برای سلامتی و رفاه مردم از اهمیت بالایی برخوردار هستند. حس تعلق مکانی یک بعد ارزیابی‌کننده از مکان است، آن را توصیف می‌کند که چقدر مکان برای مردم معنی دارد. حس تعلق مکانی نقش مثبتی در زندگی انسان و همچنین



در مراقبت آن‌ها از مکان دارد. انتظار می‌رود بین نگرش‌های محیطی بین افرادی که احساس وابستگی به یک مکان خاص می‌کنند و کسانی که این‌گونه نیستند، تفاوت ایجاد شود. دل‌بستگی و معنای مکان در هنگام بررسی مباحث مربوط به توسعه شهری و اجتماع سازی اهمیت ویژه‌ای دارد. دل‌بستگی و معنی از تجربیات و موقعیت‌های گوناگون پدید آمده است.

حس تعلق مکانی پیوند شخص - مکان و وابستگی متقابل آن‌ها را توصیف می‌کند که تحت تأثیر ویژگی‌ها و ویژگی‌های خاص کاربران قرار گرفته است. مطالعه در مورد حس تعلق مکانی، جنبه کالبدی، ادراکی، روان‌شناختی و اجتماعی و فرهنگی مکان را در خود ادغام می‌کند. بنابراین حس تعلق به مکان ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلفی مربوط به تجربه و مکان باشد. تجربه محیطی شامل نوع درگیری و میزان آشنایی افراد با یک مکان است. همچنین تخصص یا آگاهی آن‌ها در مورد مکان می‌تواند بر دل‌بستگی تأثیر بگذارد. پژوهش حاضر نیز در رابطه با تحلیل عوامل و مؤلفه‌های حس تعلق به مکان در محله اهراب شهر تبریز است که نتایج پژوهش نشان داد مقدار شاخص نسبت بحرانی به درجه آزادی (DF/CMIN) برابر ۳/۱۱ که مقدار مطلوبی برای برازش مدل است. همچنین شاخص نیکویی برازش (GFI) ۰/۹۱۵ است که نشان‌دهنده قابل قبول بودن این میزان برای برازش مطلوب مدل است. مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز ۰/۰۶۵ است که با توجه به کوچک‌تر بودن از ۰/۰۸، قابل قبول بوده و نشان‌دهنده تأیید مدل پژوهش است. همچنین شاخص توکر- لویس (TLI) ۰/۹۰۶؛ شاخص برازش تطبیقی (CFI) ۰/۹۰۳ و شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI) ۰/۷۱ است که همگی نشان‌دهنده برازش مطلوب و تأیید مدل پژوهش است. همچنین تحلیل عاملی مرتبه دوم نشان می‌دهد که بارهای عاملی تمام مؤلفه‌های حس تعلق به مکان بر روی حس مکان بزرگ‌تر از ۰/۴ بوده و در سطح احتمال ۹۵ درصد معنی‌دار هستند. گذر زمان با بار عاملی ۰/۹۶ بیشترین تأثیر را در حس مکان دارد. پس‌از آن به ترتیب خوانایی و دسترسی (با بار عاملی ۰/۹۱)، غنای بصری (با بار عاملی ۰/۹۱)، مبلمان و تجهیزات (با بار عاملی ۰/۹۰)، احساسات (با بار عاملی ۰/۸۹)، کیفیت فضایی (با بار عاملی ۰/۸۸)، تعاملات اجتماعی (با بار عاملی ۰/۸۳)، زیبایی و نمادها (با بار عاملی ۰/۷۳) و هویت (با بار عاملی ۰/۷۰) قرار دارند. بنابراین بر اساس مصاحبه عمیق از اهالی محله اهراب تبریز معیارهای ۱- حس مکان (ادراک، شناخت و تجربه) ۲- معنی مکان یا روح مکان (ماهیت، ذات و منحصر به فرد بودن مکان) ۳- خاطره و آگاهی (آثار و تاریخ مکان‌ها) ۴- تخیل و اکتشاف (فرآیندهای خلاقیت و هویت). در شکل‌گیری حس تعلق به مکان در محله اهراب تبریز مؤثر بوده‌اند. که از بین این چهار معیار خاطره و آگاهی بیشترین تأثیر داشته و بعد از آن به ترتیب حس مکان، روح مکان و در نهایت تخیل و اکتشاف تأثیرگذار بوده‌اند. از زیر شاخص‌ها هم، گذر زمان بیشترین تأثیر را در حس تعلق مکانی در محله اهراب کلانشهر تبریز دارد. براساس یافته‌های پژوهش راهکارهایی که می‌توان برای افزایش ارتقا و کیفیت حس تعلق به مکان محله اهراب تبریز در نظر گرفت به شرح زیر هستند:

- آموزش ساکنان برای احیا و بهسازی محله و افزایش انگیزه‌های اجتماعی، فرهنگی و ذهنی برای هرچه بیشتر مشارکت آن‌ها در ارتقا کیفیت بصیری و ذهنی محله
- رعایت میزان ساخت‌وساز و مداخلات شهری، متناظر بر منظر و چشم‌انداز شهری
- ایجاد فضای فرهنگی برای حضور مستمر ساکنین محلی به‌منظور حفاظت از بافت به‌صورت زنده و پرشور و تقویت حس محله‌ای
- ایجاد وحدت و هماهنگی بین مجموعه‌های جدید و قدیم در محله برای حفظ هویت محله
- ایجاد هماهنگی بین بافت جدید و قدیم از نظر معماری و طراحی و ساخت
- بهبود سیمای محله از طریق هماهنگی بین بافت قدیم و جدید و ساماندهی اغتشاشات بصری و ادراکی موجود در محله اهراب
- ایجاد فضای سبز و پارک محله‌ای و پارک کودک برای ارتقا تعاملات اجتماعی از نظر حس تعلق مکانی ساکنین محله
- ارتقا کیفیت سیمای گذرهای بافت از طریق مرمت شهری و طراحی شهری
- ارتقا کیفیت امنیت در بافت به کمک توانمندسازی فضاهای جمعی موجود و ایجاد فضاهای اجتماع‌پذیر جدید
- بهبود وضعیت شبکه معابر و کاهش بار ترافیکی و جلوگیری از آلودگی صدا و تصادفات تا امنیت روانی محله ارتقا پیدا کند
- دفع مناسب آب‌های سطحی محله برای جلوگیری از آلودگی بصری و ایجاد غنای بصری از نظر حس تعلق به مکان

در آخر در رابطه با پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود، حتماً حس تعلق به مکان، دل‌بستگی مکانی، نقش هویت و اسلام در حس تعلق مکانی در محلات جدید شهری به‌خصوص شهر تبریز انجام بگیرد، همچنین مطالعه و بررسی پایداری اجتماعی محلات و رابطه آن با حس مکان و حس تعلق مکانی به‌صورت ذهنی و عینی با ترکیب روش‌های کمی و کیفی با دقت بیشتری انجام بگیرد. پژوهش‌هایی در باب مقایسه حس تعلق به مکان در سه بخش مسکونی، محله و شهر انجام گرفته، رابطه آن‌ها باهم سنجیده

شده و مؤلفه‌هایی که بیشترین تأثیرات را در سه حوزه داشته شناسایی و برای ارتقا کیفیت زندگی و پایداری بیشتر در سه بخش مسکن، محله و شهر به کار گرفته شود.

## منابع

- بزی، خدارحم؛ میرزاپور، سلیمان و افراسیابی‌راد، محمدصادق. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم آباد. معماری و شهرسازی پایدار، ۲(۲)، ۱-۱۴.
- بلالی اسکویی، آریتا؛ حیدری ترکمانی، مینا و دیبا، فرید. (۱۳۹۸). تحلیل لایه ای علت‌های تغییر مفهوم محله در ارتباط با حس تعلق و ارایه سناریوهای بدیل. دانش شهرسازی، ۳(۳)، ۶۵-۸۱.
- بهزادپور، محمد. (۱۳۹۷). بررسی حس تعلق مکانی در مجتمع‌های مسکونی و نقش طبیعت بر آن (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی اکیاتان، پردیسان، زیتون و مهرگان). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳)، ۱۸۳-۲۰۰.
- پورجعفر، محمدرضا و پورجعفر، علی. (۱۳۹۱). الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی - اسلامی. مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، ۱۰، ۱۵-۲۴.
- پورجعفر، محمدرضا؛ ایزدی، محمدسعید و خیبری، سمانه. (۱۳۹۴). دل‌بستگی مکانی؛ بازشناسی مفهوم، اصول و معیارها. هویت شهر، ۹(۲۶)، ۴۳-۶۴.
- پورمحمدی، محمدرضا و مصیب زاده، علی. (۱۳۸۸). آشنایی با محله و معیارهای محله بندی شهر با تأکید بر شهر تبریز. جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری (دانشگاه تبریز)، ۱۴(۲۸)، ۵۳-۸۹.
- تابان، محسن؛ پورجعفر، محمدرضا و پورمند، حسنعلی. (۱۳۹۱). هویت و مکان، رویکردی پدیدارشناسانه. هویت شهر، ۶(۱۰)، ۷۹-۹۰.
- حسینی کمال‌آبادی، سید مرتضی؛ پورجعفر، محمدرضا؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و افتخاری، اصغر. (۱۳۹۸). کتاب نظریه: کتابی در عالی‌ترین سطح علم و تحقیق برای انتخاب و معرفی نظریه‌های برتر در عرصه علوم انسانی (جلد دوم). تهران: انتشارات آفتاب توسعه.
- رحیمی، لیلا؛ رفیعیان، مجتبی و باقری، محمد. (۱۳۹۵). تبیین مؤلفه‌های "دل‌بستگی به مکان" در مقیاس محله، شهر و تحلیل تعمیم‌پذیری آن، نمونه موردی: محله تاریخی سرخاب تبریز. معماری و شهرسازی آرماتشهر، ۱۷، ۲۲۵-۲۳۶.
- ضابطیان، الهام و خیرالدین، رضا. (۱۳۹۷). سطوح حس مکان در فضاهای شهری (نمونه موردی: میدان امام خمینی و امام حسین شهر تهران). دانش شهرسازی، ۲(۲)، ۲۷-۶۳.
- فاخری، اعظم. (۱۳۸۹). احیا و نوسازی بافت‌های فرسوده با رویکرد تامین مسکن نمونه موردی محله اهراب تبریز. پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مازندران، واحد ساری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد.
- فلاح، محمدصادق؛ کمالی، لیلا و شهیدی، صمد. (۱۳۹۵). نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری. باغ نظر، ۱۴(۴)، ۱۵-۲۲.
- قشقایی، رضا؛ موحد، خسرو و محمدزاده، حجت‌الله. (۱۳۹۵). ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی در سواحل شهری (مطالعه ی موردی: ساحل بوشهر). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۴(۲)، ۲۶۱-۲۸۲.
- کشاوری، گلاره و جلالیان، سارا. (۱۳۹۸). تبیین نقش عوامل مؤثر بر قلمرویی در ایجاد حس تعلق به مکان در مجموعه‌های مسکونی (مطالعه موردی: مجموعه مسکونی اعتمادیه همدان). مطالعات محیطی هفت حصار، ۷(۲۷)، ۸۱-۹۱.
- محمدمرادی، آرش؛ یزدانفر، سیدعباس؛ فیضی، محسن و نوروزیان ملکی، سعید. (۱۳۹۸). سنجش حس مکان و شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر آن در بافت تاریخی تهران (موردپژوهی: محله تاریخی امامزاده یحیی). مطالعات معماری ایران، ۱۵، ۱۷۵-۱۹۱.
- ملکی، محمدرضا؛ پارسا، سپیده؛ وثیق، بهزاد و مرادی، ابراهیم. (۱۳۹۳). بررسی حس تعلق به مکان با توجه به تفاوت‌های جنسیتی (مطالعه موردی: شهر ایلام). مسکن و محیط روستا، ۳۳(۱۴۸)، ۹۹-۱۰۸.
- یزدانی، محمدحسن؛ علیپور، ابراهیم و محمودی، ایوب. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل هویت محلات شهری با تأکید بر حس تعلق به مکان (مورد مطالعه: محلات سیزدهگانه حاشیه شهر اردبیل). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۶(۱۴)، ۹-۳۹.

## References

- Alexander, C. (2004). *The nature of order, book 4: The luminous ground*. New York, NY: Oxford University Press.
- Alexander, C., Ishikawa, S., & Silverstein, M. (1977). *A Pattern Language*. New York, NY: Oxford University Press.

- Allen, N. (2018). *Concepts of Neighbourhood: A Review of the Literature*. Working Paper 18-02. Auckland, New Zealand: National Science Challenge 11: Building Better Homes, Towns and Cities. This report is available from: <http://www.buildingbetter.nz/resources/publications.html>.
- Alyan, S. A. S., Herlily, .. (2019). The Sense of Place in Community Participation Through Tactical Urbanism in Bundaran HI, Jakarta. *CSID Journal of Infrastructure Development*, 2(1), 40-49.
- Aydın, D., & Sıramkayab, S. B. (2014), "Neighborhood" Concept and the Analysis of Differentiating Sociological Structure With The Change Of Dwelling Typology. *Social and Behavioral Sciences*, 140, 260 - 269.
- Bazi, K., Mirzapour, S., & Afrasiabi Rad, M. (2014). A comparative study of the sense of place in the neighborhoods of Khorramabad. *Sustainable Architecture and Urbanism*, 2(2), 1-14. (in Persian)
- Behzadpour, M. (2018). A Study of the Sense of Spatial Belonging in Residential Complexes and the Role of Nature on It (Case Study: Ekbatan, Pardisan, Zaytoun and Mehregan Residential Complexes). *Research and Urban Planning*, 9(3), 183 -200. (in Persian)
- Beidler, K., & Morrison, J. (2015). Sense of place: inquiry and application. *Journal of Urbanism: International Research On Place making And Urban Sustainability*, 9(3), 205-215.
- Belali Oskooi, A., Heidari Turkmani, M., & Diba, F. (2019). Layered analysis of the causes of changing the concept of neighborhood in relation to the sense of belonging and presenting alternative scenarios. *Urban Planning Knowledge*, 3(3), 65-81. (in Persian)
- Benevolo, L. (1971). *The Origins of Modern Town Planning* (J. Landry, Trans.). Cambridge, MA: MIT Press.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2003). *Public Places, Urban Spaces*. Oxford: Architectural Press.
- Casey, E. S. (2009). *Getting back into place: Toward a renewed understanding of the place world*. Bloomington: Indiana University Press.
- Choay, F. (1969). *The Modern City: Planning in the 19th Century*. New York: George Braziller.
- Cresswell, T. (2004). *Place: A short introduction*. Oxford, United Kingdom: Blackwell.
- Dazkir, S. S. (2018). Place Meaning, Sense of Belonging, and Personalization Among University Students in Turkey. *Family and Consumer Sciences Research Journal*, 46(3), 252-266.
- Delmelle, E. (2017). Differentiating pathways of neighborhood change in 50 U.S. metropolitan areas. *Environment and PlanningA*, 49(10), 2402-2424.
- DeNardi, A. (2017). Landscape and sense of belonging to place: the relationship with everyday places in the experience of some migrants living in Montebelluna (Northeastern Italy). *Journal of Research and Didactics in Geography (J-READING)*, 1(6), 61-72.
- Fakheri, A. (2010). *Rehabilitation and Renovation of Dilapidated Tissues with Housing Approach Case Study of Ahrab Neighborhood, Tabriz*. (Unpublished Master's thesis). Payame Noor University of Mazandaran, Sari Branch. (in Persian)
- Falahat, M., Kamali, L., & Shahidi, S. (2016). The role of the concept of sense of place in improving the quality of architectural protection. *Bagh-e Nazar*, 14(4), 15-22. (in Persian)
- Ghashqaei, R., Movahed, Kh., & Mohammadzadeh, H. (2016). Evaluating the sense of belonging with emphasis on physical and environmental factors in urban coasts (Case study: Bushehr coast). *Geographical Research of Urban Planning*, 4(2), 261-282. (in Persian)
- Giuliani, M. V., & Feldman, R. (1993). Place attachment in a developmental and cultural context. *Journal of Environmental Psychology*, 13, 267-274.
- Gorgul, E., Luo, L., Wei, S., & Pei, C. D. (2017). Sense of place or sense of belonging? Developing guidelines for human-centered outdoor spaces in China that citizens can be proud of. *Procedia engineering*, 198, 517-524.
- Gustafson, P. (2001). Meanings of place: Everyday experience and theoretical conceptualizations. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 5-16.
- Hay, R. (1998). Sense of place in a developmental context. *Journal of Environmental Psychology*, 18, 5-29.
- Hosseini Kamalabadi, S., Pourjafar, M., Dehghani Firoozabadi, S., & Eftekhari, A. (2019). *Theory: A book at the highest level of science and research to select and introduce the best theories in the field of Islamic humanities*, 2. Tehran: Aftab Tose'e Publications. (in Persian)
- Jackson, J. B. (1994). *A sense of place, a sense of time*. Yale University Press.
- Keller, S. (1968). *The Urban Neighborhood*. NY: Random House.

- Keshvarzi, G., & Jalalian, S. (2019). Explaining the Role of Factors Affecting Territoriality in Creating a Sense of Belonging to Place in Residential Complexes (Case Study: Etemadieh Residential Complex in Hamadan). *Haft Hesar Journal of Environmental Studies*, 7(27), 81-91. (in Persian)
- Kian Tan, S., Hooi Tan, S., Sin Kok, Y., & Wei Choon, Sh. (2018). Sense of place and sustainability of intangible cultural heritage e The case of George Town and Melaka. *Tourism Management*, 67, 376-387.
- Kisar, E., & Türkoğlu, H. (2010). Neighboring as an Indicator of Social Integration in Residential Areas of Istanbul. Paper presented at the Proceedings of the 14th The International Planning History Society (IPHS) Conference, Istanbul, Turkey.
- Liu, H. (2018). *Place Attachment in Rapid Urbanization Areas-A Case Study of ZHU Village*. (Unpublished Doctoral dissertation). Columbia University.
- Liu, Z., Zhang, Y., Zheng, Y., Lan, J., & Zhang, G. (2019). Sense of belonging and social identity on the settlement intentions of rural-urban migrants: evidence from China. *Ciência Rural*, 49(8), 1-12.
- Madgin, R., Bradley, L., & Hastings, A. (2016). Connecting physical and social dimensions of place attachment: What can we learn from attachment to urban recreational spaces?. *J Hous and the Built Environ*, 31, 677-693.
- Maleki, M., Parsa, S., Wathiq, B., & Moradi, A. (2014). Investigating the sense of belonging to a place according to gender differences (Case study: Ilam city). *Housing and Rural Environment*, 33(148), 99-108. (in Persian)
- Manzo, L. (2005). For Better orWorse: Exploring multiple dimensions of place meaning. *Journal of Environmental Psychology*, 25, 67-86.
- Masterson, V. A., Stedman, R. C., Enqvist, J., Tengö, M., Giusti, M., Wah, D., & Svedin, O. (2017). The contribution of sense of place to social-ecological systems research: a review and research agenda. *Ecology and Society*, 22(1), 49.
- Mendoza, C., & Morén-Alegret, R. (2013). Explo-ring methods and techniques for the analysis of senses of place and migration. *Progress in Human Geography*, 37(6), 762-785.
- Mohammad Moradi, A., Yazdanfar, S., Faizi, M., & Norouzian Maleki, S. (2019). Assessing the sense of place and identifying the components affecting it in the historical context of Tehran (Case study: Imamzadeh Yahya historical site). *Iranian Architectural Studies*, 15, 175-191. (in Persian)
- Morgan, P. (2010). Towards a developmental theory of place attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 11-22
- Pourjafar, M., & Pourjafar, A. (2012). The proposed model of the neighborhood, with the center of the mosque and the required public spaces in the Iranian-Islamic city. *Iranian-Islamic city studies*, 10, 15-24. (in Persian)
- Pourjafar, M., Izadi, M., & Khabiri, S. (2015). Spatial attachment; Recognition of Concept, Principles and Criteria. *City Identity*, 9(26), 43-64. (in Persian)
- PourMohammadi, M., & Mosayebzadeh, A. (2009). Familiarity with the neighborhood and neighborhood criteria of the city with emphasis on the city of Tabriz. *geography and urban planning (University of Tabriz)*, 14(28), 53-89. (in Persian)
- Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). Place-identity: Physical World Socialization of the Self. *Journal of Environmental Psychology*, 3, 57-83.
- Rahimi, L., Rafieian, M., & Bagheri, M. (2016). Explaining the components of "attachment to place" on the scale of neighborhood, city and its generalizability analysis, case study: Sorkhab historical neighborhood of Tabriz. *Armanshahr architecture and urban planning*, 17, 225-236. (in Persian)
- Relph, E. (1976). *Place and place lessens*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Rex, L. (2016). *Art in everyday places: Democratizing art knowledge and transforming adult identities as non-artists through a vernacular art curriculum*. (Unpublished Doctoral Dissertation). Northern Illinois University.
- Schwirian, K. P. (1983). Models of neighborhood change. *Annual review of sociology*, 9(1), 83-102.
- Seamon, D. (2000). Phenomenology, place, environment, and architecture: A review. *Phenomenology Online*, 36, 1-29.
- Seamon, D. (2017). Architecture, place and phenomenology: Buildings as life worlds, atmospheresand environmental wholes.In J. Donohoe, *Place and phenomenology* (pp. 247-264).
- Sime, J. D. (1986). Creating places or designing spaces?. *Journal of Environmental Psychology*, 6, 49-63.

- Sola-Morales, M. D. (1978). "Towards a Definition, A Analysis of Urban Growth in Nineteenth Century." *Lotus International*, 19(06), 28 -36.
- Stern, A. (2016). *A Felt Sense of place and Space*. Unpublished Manuscript.
- Stern, A. (2017). *Sense of Place, Sense of Self*. (Unpublished Doctoral Dissertation). Saybrook University.
- Taban, M., Pourjafar, M. R., & Pourmand, H. A. (2012). Identity and Place, A Phenomenological Approach. *City Identity*, 6(10), 79-90. (In Persian)
- Tafuri, M. (1976). *Architecture and Utopia, Design and Capitalist Development*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Tafuri, M., & Dal-Co, F. (1976). *Modern architecture*. New York: Electa/Rizzoli.
- Tuan, Y. (1977). *Space and place: The perspective of experience*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Wartmann, F. M., & Purves, R. S. (2018). Investigating Ssense of place as a cultural ecosystem service in different landscapes through the lens of language. *Landscape and Urban Planning*, 175, 169-183.
- Yazdani, M., Alipour, A., & Mahmoudi, A. (2019). Study and analysis of the identity of urban neighborhoods with emphasis on the sense of belonging to the place (Case study: thirteen neighborhoods on the outskirts of Ardabil). *Sociology of Social Institutions*, 6(14), 9-39. (in Persian)
- Zabetian, E., & Khairuddin, R. (2018). Levels of sense of place in urban spaces (Case study: Imam Khomeini Square and Imam Hossein Square in Tehran). *Knowledge of Urban Planning*, 2(2), 27-63. (in Persian)